

بی‌پناهی کارگران، پشت فرمان سکوهای اینترنتی

پشت ظاهر مدرن اپلیکیشن‌ها، واقعیتی سخت جریان دارد؛ نیروی کاری که مسیر، قیمت، امتیاز و ادامه همکاری‌اش را الگوریتم تعیین می‌کند، بی‌آنکه همیشه از حقوق روشن برخوردار باشد



راننده‌ای را تصور کنید که از صبح زود تا نیمه‌شب در خیابان‌های شهر مسافر جابه‌جا می‌کند و ناگهان در یک تصادف دچار آسیب جدی می‌شود. درآمدش قطع می‌شود، بیمه بیکاری ندارد، مستمری از کارافتادگی در انتظارش نیست و حتی معلوم نیست در نظام حقوقی موجود «کارگر» محسوب می‌شود یا یک نیروی انسانی «مستقل». در سوی دیگر ماجرا، شرکتی قرار دارد که از طریق یک اپلیکیشن، مسیرها، قیمت‌ها، نحوه ارزبایی عملکردو حتی ادامه یا توقف همکاری‌اورا تعیین می‌کند. این تصویر یک روایت فرضی نیست، بلکه بخشی از واقعیت زندگی میلیون‌ها کارگر پلتفرمی در سراسر جهان است؛ واقعیتی که امسال به یکی از مهم‌ترین موضوعات صدوچهاردهمین نشست سالانه سازمان جهانی کار تبدیل شده است. نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران از اول تا دوازدهم ژوئن ۲۰۲۶ در ژنو گرد هم آمده‌اند تا درباره تدوین نخستین استانداردهای بین‌المللی الزام‌آور برای «کار شایسته در اقتصاد پلتفرمی» تصمیم‌گیری کنند.

معنای روشن کار شایسته

اصطلاح «کار شایسته» یا Decent Work بیش از دودهه است که به یکی از مفاهیم محوری در ادبیات سازمان جهانی کار تبدیل شده است. در ساده‌ترین تعریف، کار شایسته یعنی شغلی که در آن فرد بتواند از راه کار خود زندگی آبرومندی داشته باشد، از حمایت‌های

اجتماعی برخوردار شود، در محیطی امن کار کند، از حقوق بنیادین کار بهره‌مند باشد و بتواند صدای خود را از طریق تشکل‌های مستقل به گوش کارفرما و دولت برساند. شاید در نگاه اول این تعریف انتزاعی به نظر برسد، اما در عمل می‌توان آن را از طریق مثال‌های نقض بهتر فهمید. اگر کارگری هر روز کار کند اما درآمدش برای تأمین حداقل‌های زندگی کافی نباشد، کار شایسته وجود ندارد. اگر راننده‌ای در معرض خطر تصادف باشد اما از بیمه درمانی و از کارافتادگی محروم بماند، کار شایسته نقض شده است. اگر الگوریتم یک پلتفرم بدون توضیح مشخص حساب کاربری فردی را مسدود کند و او هیچ راهی برای اعتراض نداشته باشد، باز هم با فقدان کار شایسته مواجه هستیم. بنابراین نقض مکرر استانداردهای کار شایسته را می‌توان در گوشه‌وکنار کسب‌وکارهای پلتفرمی و پیش از آن، بازار کار کلاسیک و سنتنی نیز دید. اگرچه آمار رسمی و دقیقی از سهم اقتصاد پلتفرمی در ایران منتشر نشده است، با توجه به اینکه سهم اقتصاد دیجیتال کشور بین ۴ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می‌شود، می‌توان گفت اقتصاد پلتفرمی امروز به یکی از بخش‌های قابل توجه و رو به رشد بازار کار ایران تبدیل شده و معیشت صدها هزار نفر را به خود وابسته کرده است. تا کسی‌های اینترنتی، خدمات تحویل کالا، فروش آنلاین، تولید محتوا و ده‌ها شکل جدید اشتغال دیجیتال، میلیون‌ها نفر را وارد بازار کاری کرده‌اند که نه کاملاً شبیه اشتغال سنتی است و نه کاملاً مستقل، همین وضعیت خاکستری باعث

شده بسیاری از شرکت‌ها مسئولیت‌های کارفرمایی خود را نپذیرند. یکی از مهم‌ترین محورهای مذاکرات سازمان جهانی کار در سال جاری نیز بررسی همین مسئله است که آیا حقوقی مانند حداقل دستمز، بیمه اجتماعی، مرخصی استعلاجی و حمایت‌های شغلی باید برای همه کارگران پلتفرمی تضمین شود یا تنها شامل کسانی شود که رسماً «کارگر» شناخته می‌شوند. همچنین شفافیت الگوریتم‌ها و نحوه مدیریت دیجیتال نیروی کار از دیگر موضوعات اصلی این مذاکرات است.

اقتصاد پلتفرمی در ایران

ایران نیز از این تحول جهانی مستثنی نیست. طی یک دهه گذشته، سکوهای اینترنتی حمل‌ونقل، ارسال کالا، فروش آنلاین و خدمات دیجیتال به یکی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند. صدها هزار راننده، پیک و نیروی خدماتی بخشی از درآمد خود یا تمام معیشتشان را از طریق این پلتفرم‌ها تأمین می‌کنند. اما رشد سریع این بخش با توسعه متناسب قوانین و حمایت‌های کارگری همراه نبوده است. بخش قابل توجهی از فعالان این حوزه از پوشش بیمه‌ای پایدار محروم هستند. بسیاری از آنان قراردادهای استاندارد کار ندارند و رابطه‌شان با پلتفرم‌ها در قالب توافق‌نامه‌هایی تعریف می‌شود که شرایط آن به‌صورت یک‌جانبه از سوی شرکت‌ها تعیین شده است. در چنین وضعیتی، راننده یا پیک عملاً امکان مذاکره درباره مفاد قرارداد را ندارد. او یا باید شرایط از پیش تعیین‌شده را

بپذیرد یا از بازار کار حذف شود. این همان چیزی است که در حقوق کار از آن با عنوان «قرارداد الحاقی» یاد می‌شود؛ قراردادی که نشانه‌روشنی از نابرابری قدرت میان دو طرف است.

وقتی چانه‌زنی ممکن نیست

یکی از مهم‌ترین ستون‌های کار شایسته، حق تشکل‌یابی و چانه‌زنی جمعی است. در بسیاری از کشورهای جهان، رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و کارگران پلتفرمی توانسته‌اند اتحادیه‌ها و انجمن‌های مستقل خود را ایجاد کنند و درباره دستمز، شرایط کار و حمایت‌های اجتماعی با شرکت‌ها مذاکره کنند؛ اما در ایران چنین سازوکاری هنوز بسیار محدود است. کارگران پلتفرمی نه از اتحادیه‌های قدرتمند برخوردارند و نه کانال‌های مؤثری برای مذاکره جمعی با شرکت‌ها در اختیار دارند. نتیجه آن است که تصمیم‌های مهم درباره نرخ کمیسیون‌ها، نحوه قیمت‌گذاری، مقررات انضباطی و شرایط همکاری، اغلب بدون مشارکت مستقیم آنان اتخاذ می‌شود.

الگوریتم: کارفرمای نامرئی

یکی از مباحث جدیدی که امسال در سازمان جهانی کار نیز مورد توجه قرار گرفته، مسئله «مدیریت الگوریتمی» است. در اقتصاد پلتفرمی، مدیر مستقیم بسیاری از کارگران نه یک انسان، بلکه مجموعه‌ای از الگوریتم‌هاست که مسیرها را تعیین می‌کند، سفارش‌ها را توزیع می‌کند، عملکرد افراد را ارزیابی می‌کند و حتی درباره ادامه همکاری آنان تصمیم می‌گیرد. در ایران نیز بسیاری از رانندگان و پیک‌ها بارها نسبت به نبود شفافیت در این سازوکارها اعتراض کرده‌اند. آنان نمی‌دانند دقیقاً چه عواملی بر درآمد، امتیاز یا رتبه‌بندی‌شان تأثیر می‌گذارد و در صورت بروز اختلاف نیز سازوکار روشنی برای رسیدگی مستقل وجود ندارد. فعالان این حوزه بر این باورند که اقتصاد پلتفرمی را نمی‌توان با قواعد قرن بیستم اداره کرد. از سوی دیگر، نمی‌توان به بهانه نوآوری و فناوری، حقوق بنیادین کار را کنار گذاشت. آنچه ایران به آن نیاز دارد، نوعی رگولاتوری منعطف اما کارآمد است؛ چارچوبی که هم امکان رشد کسب‌وکارهای دیجیتال را فراهم کند و هم از حقوق شاغلان این بخش حفاظت کند. بیمه اجتماعی فراگیر، شفافیت الگوریتم‌ها، قراردادهای منصفانه، حق اعتراض و تشکل‌یابی و مشارکت نمایندگان کارگران در تصمیم‌گیری‌ها باید بخشی از این چارچوب باشد. مذاکرات امسال سازمان جهانی کار نشان می‌دهد که جهان در حال حرکت به سمت تدوین استانداردهای تازه‌ای برای حمایت از کارگران پلتفرمی است. اکنون باید دید آیا ایران می‌خواهد همگام با این روند جهانی حرکت کند یا همچنان میلیون‌ها شاغل اقتصاد دیجیتال را در منطقه خاکستری میان «کارگر بودن» و «نبودن» رها خواهد کرد. پاسخ به این پرسش تنها آینده اقتصاد پلتفرمی را تعیین نمی‌کند، بلکه کیفیت زندگی بخش بزرگی از نیروی کار ایران را نیز رقم خواهد زد.

اشتغال



کامران الله‌مرادی

کارشناس حقوق کار

کارگران نامرئی در اقتصاد دیجیتال

اقتصاد پلتفرمی دیگر یک پدیده حاشیه‌ای یا محدود به چند کسب‌وکار نوظهور نیست. امروز میلیون‌ها نفر از طریق سکوهای دیجیتال امرار معاش می‌کنند؛ از رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و پیک‌های حمل‌ونقل گرفته تا گروه‌های متنوعی از شاغلان که درآمد روزانه و امنیت معیشتی آنان به فعالیت در این بسترها وابسته است. با این حال، رشد شتابان این شکل جدید اشتغال، پرسشی بنیادین را پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده است؛ آیا می‌توان جمعیت بزرگی از نیروی کار کشور را بیرون از چتر بیمه‌های اجتماعی رها کرد و در عین حال انتظار داشت هزینه‌های اجتماعی آن در آینده دامن جامعه را نگیرد؟ پاسخ را باید در فلسفه شکل‌گیری نظام تأمین اجتماعی جست‌وجو کرد. تأمین اجتماعی تنها یک سازوکار بیمه‌ای نیست، بلکه نهادی برای مدیریت ریسک‌های زندگی و جلوگیری از سقوط افراد به دام فقر و آسیب‌های اجتماعی است. بیماری، حادثه، از کارافتادگی یا کهولت سن، اگرچه در ظاهر رخدادهایی فردی هستند، اما پیامدهای آنها به سرعت به مسئله‌ای عمومی تبدیل می‌شود. زمانی که فردی توان تأمین معاش خود را از دست می‌دهد، هزینه‌های آن در نهایت به خانواده، جامعه و دولت منتقل خواهد شد. از همین رو، توسعه پوشش بیمه‌ای نه یک امتیاز اضافی، بلکه بخشی از سازوکار حفظ ثبات اجتماعی و اقتصادی کشورها محسوب می‌شود.

بر همین مبنا، بیمه‌های اجتماعی در بسیاری از نظام‌های رفاهی جهان ماهیتی اجباری دارند. دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به خروج داوطلبانه افراد از پوشش بیمه‌ای بی‌تفاوت باشند، زیرا در زمان بحران ناگزیر از مداخله و حمایت خواهند بود. در واقع بیمه اجتماعی ابزاری برای پیشگیری از هزینه‌های سنگین‌تر آینده است. همین منطق درباره شاغلان اقتصاد پلتفرمی نیز صدق می‌کند. تفاوتی ندارد فردی به صورت تمام‌وقت در یک سکو فعالیت کند یا تنها بخشی از درآمد خود را از این مسیر به دست آورد؛ قوانین و ظرفیت‌های موجود نظام بیمه‌ای امکان پوشش این گروه‌ها را فراهم کرده است و مسئله اصلی نه امکان بیمه‌پذیری، بلکه طراحی سازوکاری منصفانه و شفاف برای اجرای آن است. موضوع کارگران پلتفرمی تنها به بیمه محدود نمی‌شود، بلکه به ماهیت روابط کار در اقتصاد دیجیتال نیز مربوط است. بخش بزرگی از فعالان این سکوها در چارچوب قواعدی فعالیت می‌کنند که از سوی شرکت‌ها تعیین می‌شود. نظام‌های امتیازدهی، نظارت مستمر، مقررات انضباطی و امکان تعلیق حساب‌های کاربری، نوعی رابطه وابستگی میان نیروی کار و پلتفرم ایجاد کرده که در بسیاری از جنبه‌ها با روابط کار متعارف شباهت دارد. به همین دلیل، توسعه اقتصاد دیجیتال نیازمند چارچوب‌های حقوقی و بیمه‌ای شفاف و روزآمد است. این چارچوب‌ها باید با مشارکت دولت، شرکت‌های پلتفرمی و نمایندگان شاغلان طراحی شوند تا ضمن حمایت از نوآوری، حقوق نیروی کار نیز حفظ شود. در غیر این صورت، گسترش فناوری می‌تواند به شکل‌گیری گروه‌های جدیدی از شاغلان فاقد حمایت‌های قانونی و افزایش هزینه‌های اجتماعی در آینده منجر شود.